

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۴ صفحه

# پیکار ۶۰

بها ۲۰ ریال

دوشنبه ۲ تیر ۱۳۵۹

## در صفحات دیگر این شماره:

- ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ طلوعه تابناک مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها صفحه ۱۴
- راهپیمایی اعتراضی کارگران مبارز شرکت پرسزیون صفحه ۲
- مصاحبه با پدر رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری صفحه ۸
- چهره عریان رویزیونسم در هنر (۲) صفحه ۹
- در کارخانه مینو چه میگذرد؟ صفحه ۳

## درباره مشکل ترافیک

حل مشکل ترافیک در نظام سرمایه داری وابسته امکانپذیر نیست

امریالیستی و سولدادات صنعت مونتاز داخلی و ایستادن در راه است. عوارض مونالدکرایا استیجارجرحه و تحلیل تحولاتی که بعد از سال ۱۳۴۱ در ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران بوجود آمد، میمان بصورت زیر جمع بندی نمود:

میان حرب دهقانان به غیرها بعد از خود سرمایه امیرالیستی درده و مملاتی بدن نولنددهفانی، سرگزر جمعیت در شهرهای بزرگ، شهرسازی و خانه سازی بی روشنی بشود و احصای رهنمایی داخل شهرهای بزرگ و امیرالیستی و احصایهای مورد سارسیسم بوروکراسی - نظامی رژیم و استبداد، احصای رهنمایی از رهنمایی داخل شهر در دست بورس بازار و رسیدن آن ترکیبها همگون شهر از نظرا استقرار و ادعای بولندی و اداری در آن، عدم وجود نیرو و بولهای هوایی متعدد، کمبود سنها و اتوبوسهای شهری عمومی در داخل شهر...

نظام بی عوامل مجموعه به هم رسیده است که وضعیت کنونی ترافیک شهرهای بزرگ ایران، خصوصاً تهران را بوجود آورده است. ارسن شدن اس وضعیت سنها در بیرون بودی طلطمه سرمایه داری و استبداد مصرف درآمدهای ملی در جهت تامین رفاه و آسایش عموم بوده های رهنمکن امکان پذیر است. واضح است چنین عملی از عهد رژیم جمهوری اسلامی خارج است چرا که این رژیم بدلیل آنکه در جارجوب نظام سرمایه داری وابسته عمل میکند و به جهت آنکه سنها این منطق بر ضرورت های همین نظام است، به ناگزیر مسائل مربوط به اقتصاد وابسته راه دنبال دارد. در نتیجه زحل اساسی مسائل ترافیک عا جز است و جدا کنتر دست بقیه در صفحه ۱۴

ترافیک از جمله مشکلاتی است که جامعه هموارها آن دست بگریبان بوده است. مشکلی که با رفا آن عمدتاً بر دوش کارگران و رهنمکنان مافرار دارد. اس معطل از تکطرف رسیده در سلطه اقتصاد وابسته و محفل مصرفی جامعه ما دارد و از طرف دیگر بر رهنمکنان ما و رهنمکنی شهرهای بزرگ در متان سنها شهرهای کوچک، اسوار است ساریاس مسئله تراسک، بد نظور محدود مصرف و وجود تعداد زیادی ماشین در شهرها وجود آن بدلیل که بر سر کلید عوارض بی ارز استکی اقتصادی و از جمله ورود بی روشنی اس از کشورهای

## جنگ قدرت در "بالا" ماهیت آن و وظایف نیروهای انقلابی (۲)

### اخراج کارگران و کارکنان مبارز تحت پوشش "پاکسازی" صفحه ۴

در شماره قبل این نشریه ما مقدمتاً درباره جنگ قدرت در بالا و نحوه های متخذه از جانب هر یک از دو حریف قدرتمند حاکم (حاج بی صدرو حاج حزب جمهوری اسلامی) صحبت کردیم. اکنون در چند مورد مختص و در همین حال برجسته، اس جنگ قدرت و بحران در "بالا" احصا را مورد توجه قرار داده و سپس وارد بحث ماهیت اس بحران و ریشه های آن می شویم و در پایان به نقطه نظرهای خود را درباره و تالیف نیروهای کمونیستی در شرایط کنونی ارا نه خواهیم داد.

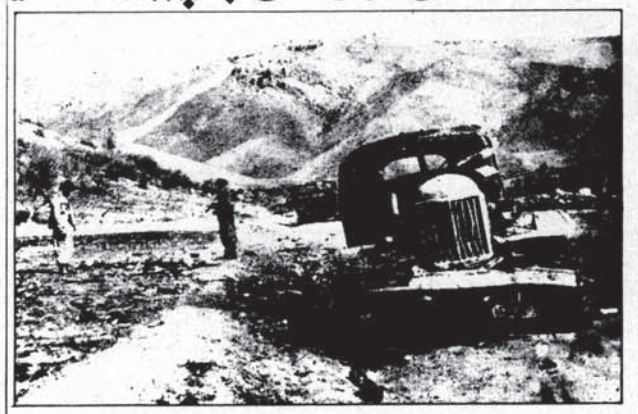
مواردی را که ما انتخاب کردیم تا جنگ قدرت بین دو جناح قدرتمند رژیم اسلامی را بطور مختص تری نشان دهیم، به ترتیب تا ربح و فو عثمان عا رتنداز:

- ۱ - انتخابات ریاست جمهوری
- ۲ - انتخابات مجلس شورای ملی
- ۳ - انقلاب فرهنگی "با مسئله دانشگاهها
- ۴ - تعیین نخست وزیر

بقیه در صفحه ۱۰

### مبارزه بر علیه دستگیری عناصر مبارز ترکمن صحرا و آزادی زندانیان سیاسی را هر چه گسترده تر سازیم صفحه ۵

### کردستان قهرمان به پیش! صفحه ۵



### امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند گور خود را میکند صفحه ۷

# مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران



# جنبش کارگری



## چرا اضافه کاری؟!

افزایش کاری علاوه بر منافع فراوانی که برای سرمایه داران دارد (از قبیل اینکه در رابطه با افزایش کاری به کارگران حق بیمه داده نمی شود، پول غذا داده نمی شود، کارگران کمتری استخدام می شوند، سود ویژه اضافی برای تعلق نمی گیرد...) در موارد خاصی نظیر شرایط خاص، اضافه کاری یکی از شیوه های خواندنی مبارزات کارگران است. امروزه بر هر کسی واضح است که یکی از علل اعتراضات و اعتصابات مکرر کارگران، کمی حقوق از یک طرف و کثرتی مبرم و ماسل زندگی و خوراک و بیونک و... از طرف دیگر می باشد یعنی امروزه حقوق ما همچون برف در مقابل آفتاب سرعت ذوب می شود و در مقابل تورم و گرانی سرمایه آور بهیچوجه کفاف زندگی ما را نمی دهد و این مسئله بقدری روشن است که خودیافت ما بهتت خاک هم می رسد و هر روز تا هدیده که در شهرهای مختلف کارگران بیکار و بدبختی های بیکار دست به اعتراض زده و حتی در موارد زیادی تعدادی از کارگران بیکار و بدبختی های بیکار توسط باسداران سرمایه به بندبند شده اند و به همین دلیل هم بدلیل ماهیت مزدکارگریتان بجای اضافه کاری حقوق کارگران، کارگران را وادار به اضافه کاری می کنند. تا از این طریق هم منافع کمی که در این شهر برای خودتان تا منس کنند و هم بقدری به در آمدند کارگران اضافه شده و در منافع اعتراض آنها کم نبود و هم وقت کمتری در رابطه با شما شل جا معه و بخت مطالبه داشته باشد. یعنی این یکا از مناسبت است که کارگری که ۸ ساعت کار می کند نسبت به کارگری که ۱۲ ساعت کار می کند، هم وقت بیشتری برای بحث و مطالبه و سر زدن به دوستانش دارد و هم فرصت بیشتری برای رسیدن به زندگی و خانواده خود دارد...

برادران کارگران! توطئه اضافه کاری که از طرف کارفرمایان ساخته می شود، علت دیگری هم در آن آماده کردن زمینه برای کار در روزهای پنجشنبه می باشد. کارفرمایان بعد از بدستی عنوان خود کرد کارگران با بد روزهای پنجشنبه هم سرکار حاضر شوند! کارگرانی که روزهای عادی ۴ ساعت هم اضافه کاری می کنند بدلیل نداشتن درک به پنجشنبه ها کار نکنند... یعنی با این وسیله می خواهند کمی از حقوق حقه خودمان را (۴۰ ساعت کار در هفته و تعطیلی پنجشنبه) که با ما بر زده بدست آورده اند، از دستمان بگیرند.

برادران کارگران! زندگی ما کارگران نباید از طریق اضافه کاری و ما به گذاشتن ارکان و وقتیمان تا منس شود. زندگی ما با بدبختی ما ۴۰ ساعت کار در هفته و از طریق افزایش دستمزدمان متناسب با افزایش کثرتی تا منس شود. متحد شویم، دست در دست هم بگیریم و توطئه اخیر کارفرمایان را افشا کنیم و با فشاری روی افزایش حقوقمان متناسب با افزایش تورم و گرانی، حقوق حقه خود را از حلقوم سرمایه داران بیرون بکشیم!

"گروهی از کارگران مبارز مجتمع فولاد - اهواز"  
۵۹/۳/۴  
★ ★ ★

## نماینده زندانی آزاد باید گردد!

گروهی از کارگران مبارز مجتمع صابح فولاد - اهواز در رابطه با دستگیری نماینده کارگران ما تین سازی اعلامیه ای منتشر کرده اند که در زیر می بینیم از آنرا می خوانید:

"کارگران مبارز! توطئه های روز افزون هیئت حاکمه راهمی هر روز و هر ساعت تا بدیم، توطئه های شنی که طی آن از یک طرف خلق دلیر کرد بخاک و خون کشیده می شود، از طرف دیگر حمله به دانشجویان شروع می شود و بالاخره کارگران مبارز انقلابی، نمایندگان واقعی کارگران و نماینده های دفاع از منافع کارگران را جزو سرمایه زندگی خود قرار داده اند، از کارخانجات اخراج، دستگیر و زندانی می شوند... کارگران مبارز!

کارفرمایان مزدور و سرمایه داران امپریالیزم هرگز از هیئت حاکمه بدستال اعمال مزدکارگری خود که از اینجاست که گذشت شروع کرده و طی آن کارگران قهرمان شرکت ملی پیروزه ای را وادار به اعتصاب بستن کرده و بیش از ۱۲۰ نفر از کارگران مبارز انقلابی را اخراج کرده و سپس کارگران و شورای ما را با مسورد بوش قرار داده و حدود ۳۴ نفر از کارگران و اعضای شورای ما را اخراج کرده است. امروز حمله خود را متوجه کارگران قهرمان ما تین سازی کرده و سپس از فشارهای فراوانی که به کارگران وارد کرده و شوروی ما تین سازی را تحت فشار قرار داده "علی حسن نجم" نماینده کارگران ما تین سازی را در محل کار خا...

## اخراج کارگران از کارخانجات

بعد از اعتراضات و اعتصابات اخیر ما به سوی و ویژه خواهان های دیگر توسط کارگران، تمسکات زیادی از کارگران مبارز از کارخانجات اخراج کردند. لیست با تین آنها گوشه کوچکی از کارگران اخراجی کارخانجات قزوین را نشان می دهد. اخراج کارگران مبارز انقلابی بدستال سیاست دولت در زمینه (مال امنیت) است. البته منظور دولت امنیت برای سرمایه داران است و نه امنیت تغلی، تا منس زندگی، تا منس مسکن و تا منس آزادی برای زحمتکشان.

نام کارخانه	علت اخراج	تعداد کارگران اخراجی
۱. جنبه قزوین	عدم احتیاج حدود ۲۰۰ نفر (بیشتر کارگران روز مزد)	
۲. جنبه آبگینه	مبارز بودن ۵ نفر	
۳. جنبه ارکید	مبارز بودن چند نفر	

دستگیر کرده است.

علی حسن نجم چه جرمی دستگیر شده است؟ علی حسن نجم چه جرمی مرتکب شده است که ممنوع الحاقات است؟ بحر دفاع از منافع کارگران؟! بحر مبارزه با سیاستهای مزدکارگری خرافاتی و امثال خرافاتی که فعلا در مجتمع بوده اند؟! و یا بحر اینکه بر سر فواید خرافاتی بر فواید کارگران ما تین سازی خسانت نکرده (بحر) زبون تمام ما بجای همسواره بعنوان یک نماینده واقعی و دلشور در جهت ما تین منافع کارگران اقدام کرده و ما هم عمده خویش را صرف بیرون کشیدن هر چه میسر حق کارگران از حلقوم سرمایه داران قرار داده است؟!؟

'آری! این است "جرم" علی حسن نجم نماینده کارگران ما تین سازی! ز نظر سرمایه داران و عمال آنها، ولی خرافاتی مزدور حجاب استرا کرده بود که دستگیری جمگونی ما تین حتم کارگران ما تین سازی خواهد شد. چگونه اعتصاب بیکار چه ما تین سازی را در پی خواهد داشت! اعتصاب بیکار چه ما تین سازی، منت محکمی است بر دانهان خرافاتی مزدور!

ما منس محکوم کردن پس اقدام مزدکارگری خرافاتی مزدور و همجنس منس بستن ما تین سازی را به کارگران ما تین سازی، خواهان آزادی هر چه زودتر علی حسن نجم نماینده کارگران ما تین سازی بوده از تمام کارگران مجتمع می خواهم که از ما راز کارگران ما تین سازی در جهت آزادی نماینده واقعی خودشان بستن ما تین کنند.

کارگر بیروز است، سرمایه دار با بود است! مستحکم با دنا دو همسگی کارگران مجتمع!

۴. تاریخ	مبارز بودن ۲۲ نفر (شورای کارخانه هم جزو اخراجی هاست)
۵. نرم فیک	مبارز بودن ۲ نفر
۶. کفایت سیورت	عدم احتیاج تا معلوم
۷. کارتن البرز	مبارز بودن ۲۷ نفر (شورای کارخانه هم جزو اخراجی هاست)
۸. بلاستی ران	تا منس ۱ نفر
۹. ایران دوج	مبارز بودن تا معلوم
۱۰. نیروز	تا منس ۱ نفر
۱۱. هوا	تا منس تا معلوم
۱۲. آبیک	تا منس تا معلوم
۱۳. تولید دارو	مبارز بودن ۱ نفر
۱۴. سی کاپ	مبارز بودن ۳ نفر

"بتغل از قریب داده ای آباد، نشریه گروهی از زحمت کشان هادی آباد".

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



# خلقها ومسئله ملی



## مبارزه بر علیه دستگیری عناصر مبارز ترکمن صحرا و آزادی زندانیان سیاسی راه چره گسترده تر سازیم!

درباطه با دستگیری های اخیر رژیم در ترکمن  
محراء **قایماز** در تاریخ ۵۹/۳/۳۰ اعلامیه ای  
منتشر کرده که در زیر قسمتها شی از آنرا ملاحظه میکنید:  
خلق مبارز ترکمن! هموطنان مبارز!

چند هفته است که رژیم، دست به دستگیری های  
وسمی در سطح منطقه (ترکمن صحرا) زده و تا کنون  
دهها نفر از عناصر آگاه و توده های ترکمن و قاریس  
منطقه را بگوشه سلولهای شهزادنی گمبند و کربکان و...  
انداخته است. تنها در یکی از نشانیهای هفتصد پیش  
با سداران به بهانه «حستوی مواد مخدر» خا به های  
تعداد زیادی از ترکمن های مبارزی را که قلاشا ناشی  
کرده بودند مورد هجوم قرار داده و حدود ۱۵ نفر از  
بیتکا مو هواداران مجاهدین خلق را دستگیر میکنند.  
این برنامها هجوم به خانه ها و دستگیری عناصر مبارز  
در بیشتر نشانیها ادامه دارد.

درا دیندا نشانی که سوله با سداران به بهانه  
کشف مواد مخدر با دستنود، سا کها و وسا ئل دیگر  
افراد از جهت داشتن کتب و اعلامیه های سیاسی مورد  
بازرسی قرار گرفته و شخصی دارنده این وسا ئل را  
دستگیری کنند.

با سداران وها مورین شهرناتی به فروشندهگان  
تشریفات انقلابی، بورش برده و آنها را با خود می برند.  
در طی این بورشها تا کنون، چندین نفر از عناصر مبارز  
منطقه - که از بیتکا مو هواداران بیتکا رسوده اند - در  
آق قلاه، کلاله، بندر ترکمن و... دستگیر شده اند. آنان  
در ساعات آخر شب، در خا با نشانیهای شهرهای مختلف  
منطقه کمین گرفته و به مجرد متکوک شدن به سر نشانیان  
اتوموبیلی، آنها را مورد با زجوشی قرار داده و در  
صورت مناهده، کتب با اعلامیه های سیاسی، آنها را با  
خود می برند... خلاصه، دستگیری عناصر مبارز ترکمن  
و قاریس منطقه، همچنان ادامه دارد. طبق آخربین  
خبرها، دو نفر دیگر از هواداران بیتکا رنیز، دستگیر  
شده اند...

خلق مبارز ترکمن! هموطنان مبارز!  
رژیم ایران برای سرکوشی توده ها و جلوگیری از  
افتاگری های مداوم نیروهای انقلابی و کمونیست...  
بورش جدید خود را از اوائل امسال آغاز کرده است.  
منا به چنین بورش رادشهر سورما ۵۸۰ نیزنا همد  
بودیم. اما بورش ایندفعه رژیم، از ابعا دوسبعستری  
برخورد رسوده و علاوه، بیرحمی، خشونت و جنا بیست -  
پیتگی گسترده تری در آن دیده میشود. تنها درگیری -  
های چند روز اول را در بیشتر دردا نشاها، منجر به  
شهادت و زخمی شدن دهها نفر از دانشجویان انقلابی  
گردید. حمله به دانشاها، نمونه ای از بورش دامنه دار  
←

## خاودان باد خاطره پیشمرگه های شهید، رفقای بکارگر: مسعود ستایش و حسین فقیر

### کردستان قهرمان به پیش!

و جنا بنهای او برگرارند.

اشنویه: ۵۹/۳/۲۵

درا این روز پیشمرگان قهرمان کومه له  
بیتکا رود موکرات در نزدیکی روستای "خروش" به جمع  
اریش و با سداران و جا نشا حمله کردند. در این حمله  
نخاعا نه عده زیادی از نیروهای ضد خلق کشته شدند.  
یک تا یک و چند ما شین ارشئی نیز منهدم گردید. طی  
این درگیری به تن از پیشمرگان قهرمان کومه له، دو  
نفر از دو موکرات و یکی از پیشمرگان سازمان بیکار  
زخمی شدند.

همزمان با این درگیری، هلیکوپترها در مسیر  
حرکت خود بطرف اشنویه نما دهها ماسریرا با راکت  
زیر آتش گرفتند.

سقر: (۵۹/۳/۲۵)

### نقوت مردم از رژیم جمهوری اسلامی

عده ای از جوانان انقلابی شهر با ختم، بیوسترها  
و اعلامیه های ارش و با سداران را از دیوارها کنده و  
بدین طریق با دیگر نقوت عمیق خود را از رژیم  
جمهوری اسلامی نشان دادند. در پی این اقدام جوانان  
شهر، با سداران سرما به آتش رنگارنگ را مسلسل را بروی  
مردم بی دفاع گشودند اما خوشبختانه در این تیراندازی  
بکسی آسیبی نرسید.

اشنویه: (۵۹/۳/۲۶)

### گلوله باران و حشیانه روستاها

همزمان با بیاده کردن نیرو توسط ۹ فروندهلی -  
کوپتر در روستای "نلوس" سه فروندهلی کوپتر و دو فروند  
فانوم، روستای "کانی را ش" را با رنگارنگ مسلسل مورد  
بورش قرار دادند. از تلفات جانی این نشا جم وحشیانه  
اطلاعی بدست نیا مده است.

خلق قهرمان کردستان، پیشمرگان دلوار! طبقه  
کارگر، و دیگر زحمتکشان ایران پشتیبان نبرد خونین  
و انقلابی شما هستند.  
با دستپشمگه های شهید سازمان رفقای بیتکا رگر:  
مسعود ستایش و حسین فقیر گرامی باد!  
با دهمه پیشمرگه های شهید خلق کردگرا می باد!

کردستان سرزمین حماسه ها، کردستان سرزمین  
آتش و خون کردستان تجلی گاه برجسته نقوت طبقاتی خلق  
نسبت به ضد خلق، کردستان سرزمین جاننا زبها و  
دلآوریهای پیشمرگان رزمنده، استوار و با برجا، بحلالت  
کوهها، برقله های رفیع ماومت، قهرمانا نه بیکار  
می کند. آری کردستان قهرمان می رزمند و نسو ای  
پیشمرگ رزمنده!

کاسه لیمان سرما به جیک افروزت میخاوند  
ضد خلق مذبحا نه دشنامت می دهد، دشمننا جو انمردانه  
بهاک و خونت میکند، اما نوسرکش و نفرو رووی بر خروش  
به پیش می روی. حماسه می سازی و فریاد می زنی:  
کردستان قهرمان به پیش! ما فریاد نورا بگوش  
خلقها خواهم رسا تده، ما خروش ملی و طبقاتی خلق  
نورا به توده ها نشان خواهم داد. اکنون این شرح  
کوشه ای از حما به رزم نوست که زینت بخش صفحات روز -  
نا ماما گفته است:

### کامیاران: ۱۳ ساعت نبرد خلق و ضد خلق

هفته گذشته جاده سنج - کامیاران شا هدنبرد  
خونین پیشمرگان قهرمان با ارش ضد خلقی بیود.  
ستونی که از کرمانشا هاز سنج بیود در نزدیکی  
کامیاران در منطقه "دوتونل" و "گردنه مروا رید" مورد  
حمله قهرمانا نه پیشمرگان جاننا زموکرات، کومه له،  
بیتکا روزر مندگان، نفرار گرفت. درگیری حدود ۱۳ ساعت  
ادامه داشت. در اشرینرد دلیرا نه پیشمرگان قهرمان  
تعداد زیادی از افراد ستون کشته شده و چندین خوروی  
آنها منهدم گردید. در این درگیری یکی از رفقا ی  
قهرمان "بیکار" بنام "مسعود ستایش" در اثر امانست  
گلوله کالیبره ۵۰ شهید شد و رفیق پیشمرگه دیگر سازمان  
بنام "حسین فقیر" (امیر) پس از زخمی شدن، بدست  
نظامیان مرتجع اسیر گشت. دشمننا قبا وتی هر چه  
تعامت رفیق مجروح مارا در کنار جاده اقدام نمود. علاوه  
بر دو پیشمرگه شهید، یکی از پیشمرگان جاننا زدمو -  
کرات بنام "عیسی" شهید شد و یکی از پیشمرگان قهرمان  
رزمندگان نیز زخمی گردید. بعد از تمام درگیری  
اهالی یکی از روستا های اطراف، جنازه پیشمرگان  
شهید را طی مراسمی بهاک سپردند. این مراسم بعدت  
سه روز و با شرکت اهالی روستا و پیشمرگان ضمن خواندن  
سرودهای انقلابی و افتاگری یکی از پیشمرگان سازمان  
بیتکا زدر مورد ما هبت ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی

# حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

رژیم به آزادیهای جامعه و گروههای سیاسی بوده که همچنان ادامه دارد.

رژیم ایران در هجوم شهریور ما خود توانست موفقاً به حقیقتی را بر محیط سیاسی کشور، حاکم گرداند... اما این خفقان دیری نپاشد و رژیم نتوانست اختیاتی را که بوجود آورده بود همچنان حفظ کند و بدین ترتیب، نیروهای کمونیست و انقلابی با گسترش مجدد آنها فاشگریهای خود بر علیه عملکردهای فدخلقی و سرکوبگرانه رژیم، دوباره توانستند محیط سیاسی نسبتاً آزاد گشته را بدست آورند.

اما از اوایل امسال، شرایط جدیدی بوجود آمده بود. رژیم پس از یورش و حمله ۱۹ تیر به سرکرم صحرای سرکوب خلق تبرک، نفکر سرکوب خلق مبارز گرد افتاد. ولی برخلاف تبرک صحرای سرکوب، که سازشکار سیاسی و یک سری عوامل دیگر، مانع از ادامه مبارزه برای حفظ دستاوردهای انقلابی خلق تبرک گردید، در کردستان، اولاً سطح بالای بحران سیاسی بوده - های کرد و تانیا وجود سازمانهای انقلابی و سازشناپذیر، مانع از آن گردید که رژیم بتواند نیروی حنی تبرک صحرای سرکوب و آنجا پیش برود. این سوخته سرد همچنان ادامه یافت آنجا که در اعلامیه پس از آن راه مجلس شورای ملی و انضباطی که در آن رابطه بوجود آمد و ما هیت کسانسی که به مجلس راه یافته اند مسئله یورش به کردستان که هر دو مسئله مرکز فاشگری نیروهای کمونیست و مترقی بوده است و رابطه این دو مسئله دستگیرهای اخیر آمده است:

یکی دیگر از هدفهای رژیم زدستگیریها، مخصوص در منطقه تبرک صحرای سرکوب و هراس در دل نوده های تبرک است تا آنها را از هرگونه اقدام مبارزه جوانانه و انقلابی برضد اقدامات ضد انقلابی رژیم بازدارد. به عبارت واضحتر، رژیم با این دستگیریهای وسیعی که در منطقه تبرک صحرای سرکوب کرده است، علاوه بر هدفهای سرکوبگرانه که در آنجا در (و شرح دادیم) می خواهد هر چه ممکن است بقول معروف خود را در منطقه محکمتر بر زمین بکوبد و به حاکمیت سیاسی خود، که از بیعدالتی شکست جنگ دوم (۱۹ تیر) روز بروز بیشتر میشود، استحکام و عمق بیشتری بخشد و سرکرم ها را از هرگونه خیال بیرون راند رژیم از منطقه و برگرداندن اوضاع سیاسی منطقه به حالت قبل از جنگ دوم بازدارد. البته

بقیه از صفحه ۸

مباحثه

نخس جناب پیکاری که پیرامون گرفته بود محمد تقی بیاییش نام دارد. او پیش از رفتن رژیم به دستگیر شد و آنطور که خودش در دادگاه انقلاب شهدا اظهار کرد، با بدستگیری پیرس ۷۰۰ تومان با دانه اش از او گرفته بود. اما این شخص که تعدادی از جوانان بسیار ایمان و مبارز را دستگیر و اعدام نموده است به ۴ سال حبس محکوم شده و من به این رای اعتراض دارم: طبق اطلاعی که دارم پیرس مدت ۷۵ روز تحت شکنجه فیزیکی و دزخیمان با او یک پیرس بوده و او پیرس نیست به عقیده ای که داشت و قادرمانند و در "کلمه ای نگفت، من ۵۴ ساعت بعداً و رانندیم و دقیقاً نمی دانم که او

طبیعی است که نوده های خلق تبرک در ما به مبارزات خویش این آرزوی رژیم را به گور خواهد سپرد.

روشنفکران مبارز تبرک صحرای سرکوب

هیچ چیزی بدتر از سکوت و عقب نشینی ما در مقابل این یورشهای رژیم، نیست. سکوت و عقب نشینی ما در مقابل حرکات ارتجاع، فقط او را جری تر ساخته و به پیش روی و دست زدن به اقدامات و شیوه های جدید برای سرکوب هر چه بیشتر در منطقه و تانیا مین حاکمیت سیاسی و اقتصادی خویش، او مبادرت کرده خلق تبرک را هوشیاری خود، در مقابل وی خواهد ایستاد. هر چه قدم عقب نشینی ما، و قدم پیش روی رژیم را بدنیال دارد و هر چه سکوت ما، بلندتر شدن طنین صدای ارتجاع را پیمزها دارد. باید در برابر این یورشهای سی آمان رژیم در منطقه مبارزه کرد و مانع بیشتر شدن و جنبش جری هم آجا جز با مقاومت و اتحاد ما و مردم مبارزه در مقابل رژیم ما می پذیرد است؟ جز با فاشگریهای مداوم ما برای روش دادن ذهن نوده ها نسبت به ما هیت واقعی رژیم و بردن آگاهی طبقاتی و ملی بدرون آنها - امکان پذیر است؟ طبیعتاً خیر!

ما در مبارزه طبقاتی و ملی خود بر علیه رژیم که دارد به جای زمینداران بزرگ منطقه می ایستد با ضرورت رند و ارتجاع ما مبارزه طبقاتی نوده ها حرکت کنیم، طبیعتاً جریان بافتن هر چه بیشتر این مبارزه موجب بروز تنش و درگیریهای فراوانی در منطقه خواهد شد چرا که این منطق مبارزه طبقاتی است. اما آیا این درست است که ما از ترس ایجاد تنش و درگیری در منطقه از ادامه مبارزه طبقاتی صرف نظر کنیم و به دادن تسلیم و رضا و عقب نشینی در برابر نوده ها و یورشهای رژیم بسفیم؟ آیا این به ابعاد در حوضه جمودی و سیاسی در نوده ها منحرف خواهد شد؟

پس با تمام نیروی خود به فاشگری بر علیه رژیم بپردازیم. از فروش شرکات و بخش اعلامیه ها گرفته تا شکستن و توضیح هر عملگرایی از جانب رژیم برای نوده ها و بردن آگاهی طبقاتی و ملی به میان نوده های تبرک... و خلاصه یکدم نیا بدان کار سیاسی و فاشگری بازمانیم. با نوده رژیم از دستگیریهای وسیع عناصر انقلابی منطقه برای مردم توضیح داده و آنها را به مقاومت بر علیه این نوده و در جهت خنثی کردن آن فراخوانده و بسیج نمائیم.

چگونه فکر میکرد دولی میدانم که ما رکیستهای همگاری میکرد، منتشی تا وقتیکه در خانه بودیم ما روزها اش ترک نمیشد. البته هدف تمام کسانی که با طاعت و مبارزه میکردند مشترک بود. همه آنها شهید را حسی و آزادی هستند و هیچ فرقی ندارند. اغلب جوانانی که با ما رکیست شناخته میشوند نسبت به هدف آنها سر - نگوینی دستگاه و جو و ظلم طاغوت بوده است. چه نیایی به همزمان فرزند شهیدتان دارید؟ - پیام من به رفقای همزمین و دیگران اینست که دول امپریالیست آمریکا و انگلیس... در نهایت نددت خواستار رفقا و تفرقه بین مردم هستند، تقاضای من از شما جوانان شجاع و مبارز ایران اینست که در اتحاد و اتفاق بکوشد.

بقیه از صفحه ۴

در کارخانه...

مسئله کارخانه را به روشنگری می کشاند! هنوز صحبت های او پایان نیافته بود که کارگران با شعار ۸ ساعت کار، روی خواست خود یعنی بر لغو شکارهای استبدادگی کردند. آخرین حرف هیئت مدیره در این مورد این بود که: پس از انتخاب شورای کارگری، ما با شورا این مسئله را رسیدگی می کنیم. اما کارگر - ان همچنان مخالفت می کردند و می گفتند خواست ما واضح است و احتیاجی به تفرسی آن با شورا نیست. بعد از پایان یافتن مجمع عمومی تاکنون کارگران دست به اقدام تازه ای نزده اند.

همانطور که گفتیم عده ای از کارگران مبارز کارخانه مینویسند پس آتش نامه یا پنجاهانی مذکور را باطل اعلام کرده و انتخابات شورا را با این آزار تحريم کرده اند. عوامل کارفرما از هم اکنون وقیل از آنکه قدرت بگیرند، از همه "پاک سازی" عنا صرمبا رزومتری را آغاز نموده اند. کارگران مبارز با بدیا کارگاه - کارخانه و فاشگری نوده های عوامل کارفرما را خنثی نمائند و بکوشند شورای واقعی خود را بوجود آورند.

بیروزی ما مبارزات حق طلبانه کارگران پیش سوی تشکیل شورا های واقعی کارگری

راهپیمایی اعتراضی کارگران مبارز شرکت پرسیزیون

بدنیال تخم چند روزه و بدین نتیجه کارگران شرکت پرسیزیون مسجد سلیمان، آنها تصمیم میگیرند که روز ۱۴/۳/۵۹ دست به راهپیمایی بزنند. تخم چند روزه این کارگران در محل فرماداری و با خواهشهای - برداخت دومه حقوق عقب افتاده فروردین و اردیبهشت - لغو قرار دادین شورا و هیئت مدیره در زمان استانداری مدنی - جلب هیئت مدیره و محاکمه آنها در یک دادگاه مردمی، انجام گرفت.

راهپیمایی مذکور ساعت ۹ صبح روز ۱۴/۳/۵۹ از نزدیکی کارگاه شروع می شود. کارگران با لباسهای کار و همراهمان خود (که حدود ۳۰۰ نفر - میشدند) در صفوف منظم، مسافتی در حدود ۶ کیلومتر را پیموده طی کرده و اردشهر می شوند. کارگران در طول مسیر با چهره های مصمم و خشمگین و مشتهای گره کرده شعار میدادند: ما ده ۳۳ الفبا بدگردد، دو ما حقوق کارگر برداخت با بدگردد، مرگ بر سر ما به دار، مرگ بر آمریکا... در خلال راهپیمایی با بلندگو چندین بار مهابه تلویزیونی عزت الله ساجی (که طی آن سر صد کارگران پرسیزیون اظهاراتی کرده بود) محکوم شد. ساعت ۱۱/۵ صبح کارگران پس از عبور از خیابان - های شهروار مسجد جامع شده و در آنجا پس از سخنرانی یکی از کارگران در فضای مدیریت بر سر است شرکت قطعاً به خوانده میشود. کارگران از فردای آنروز همچنان کار خود را شروع می کنند. مقامات دولتی تا کنون حاضر شده اند که فقط یکما حقوق را بپردازند، اما کارگران با آن مخالفت کرده اند.

برقرار باد خود مختاری خلقها در چهارچوب ایرانی مستقل و دمکراتیک

# اخبار و مسائل جهانی



## امپریالیسم آمریکا در خلیج فارس و اقیانوس هند کور خود را میکند

همزمان با وحشیگری مبارزات انقلابی خلقهای خاورمیانه علیه امپریالیسم و ارتجاع، همزمان با این بست توطئه خیا نت آمیز کمپدیبود و نکتت سادات و تکین و کاتر در برابر آمریکا و خلق فلسطین و مقاومت دلیرانه خلقهای عرب بویژه در لبنان در برابر توطئه های ارتجاع و امپریالیسم، همزمان با رشد و غمی با فنن هر چه بیشتر مبارزات انقلابی خلقهای ایران علیه آمریکا و بر ما به داری و ایست،

همزمان با ادامه مقاومت خلق عمان علیه رژیم مزدور فاس و دیگر مرتجعین و ربا بان امپریالیست آنها،

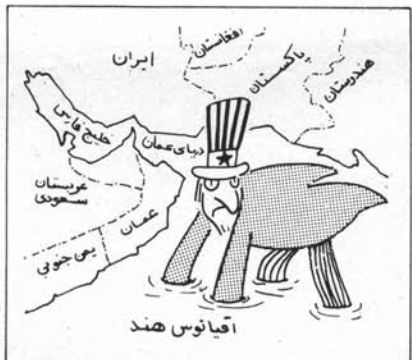
همزمان با تجدید تها دین امپریالیسم آمریکا و سوال امپریالیسم نو روی بر سر تها حب هر چه بیشتر مناطق نفوذ بویژه پس از اشغال نظامی افغانستان و مقاومت رجمتکنان افغانی در برابر اشغالگران روس و با لآخره همزمان با بیداری خلقهای خاورمیانه و مبارزات سراسری علیه کلیه تها و زکوران غارتگر بویژه در ایران، امپریالیستهای آمریکائی آسوده خویش را بندت در خطر می بینند. منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند بجا طور وجود بیش از ۶۰ درصد خا شرقی جهان، حکم سینه عمرا، امپریالیسم را در دوا امپریالیستها با تمام قوا می کوشد با انواع توطئه های سیاسی و نظامی و سرکوبها و لیکر کشتیها منافع و قدرت جهانی خود را همچنان حفظ کند و بینه خلیج فارس و اقیانوس هند بیدار رخ به بیده نبرد می بیند. کشته و با بحسار بین امپریالیستهای از یک طرف و خلقهای منطقه از طرف دیگر تبدیل میشود.

در هفته های اخیر اخبار زیادی حاکی از فعالیت های امپریالیسم آمریکا در این منطقه خاص و استراتژیک انتتار یافته است. سلسله بیگانه های تها و زکوران که از راه های که از کینا و آفریقای جنوبی شروع شده به سومالی و عمان و جزایر فاسوس هندوئا و کاتنها می مستقر در آنها ی این منطقه کشیده میشود (۱). مورد استفاده آمریکا فرا گرفته و زکوران خا نه جهانی انحصار است و سرمایه داری، خلقهای بیچاره و خلق طلبت منطقه را تهدید میکند. کینا ۱۳ خرداد در خا دکه: "جزیره دیا گوگاریا واقع در اقیانوس هند که از چند سال پیش برای ایجاد یک پایگاه نظامی برای آمریکا مورد نظر بوده است یک نقش حساس و اساسی در حضور نظامی آمریکا در منطقه اقیانوس هند و خلیج فارس و حفظ جریان نفت ایفا میکند. آمریکا بسرعت سرگرم ایجاد گسترش پایگاه نظامی می خود در این جزیره است و در حال حاضر ۱۳ هزار سرباز آمریکایی (در آمریکا) سرگرم آموزش نظامی برای فعالیت در شرایط کوبی و سخت هستند."

و در ۲۵ خرداد در بنقل از خبرگزاری فرانسه نوشت: "نظامیان آمریکا مشغول تمرینهای صحرایی

می باشند تا در صورت اشغال رجا های نفتی خاورمیانه آمریکا مبارزه با آن را داشته باشند و بدین منظور نیروهای هوایی از اوائل ماه اخیر تمرینهای رادر صحرای "سواد" (واقع در ایالت تگزاس که شرایط اقلیمی آن سیمه مناطق خلیج است) شروع نموده و جنگنده های اف-۴ نیز مامور شده اند برای آموزش به ممبری و از خا هند کرد."

رژیم مزدور فاس بوس نیز که پس از تمام نگو همسند خلقهای ایران، مهمترین حامی خود در منطقه یعنی رژیم شاه را از دست داده است و در مسقطی زیر جرحا بت آمریکا فرا گرفته است بر اساس گزارش رادبولتندن ۱۷ خرداد، "عمان مدتها در مدتها من تهمیسترات آمریکا سی بوده است تا مورد استفاده آن گروه از سربازان خود که توسط سربازان تسلیم دیده اند قرار گیرد. اکنون آمریکا نوا فز کرده است که هواپیما های



حمل و نقل وجود رهای زره پوش، تاک و موشکهای ضد هواپیما و ضد تها در اختیار عمان قرار دهد تا کمبود آسکار که در زرا دها نه های این کشور وجود دارد از زمین برود. در مقابل آن، عمان نیز تقبل کرده است که در جزیره مسیره شهلائی برای هواپیما های آمریکا قرار هم آورد و نیز امکانات موجود درینا در خود را جهت استفاده نیروهای دریائی آمریکایی در اختیار این کشور قرار دهد."

در حال حاضر، سبیل کار نشان و متخصمین نظامی آمریکا بسوی عمان سرازیر شده و این کشور بعمورت لانه دزدان دریائی آمریکائی علیه خلقهای منطقه در میاید (۲). البته توطئه های آمریکا در این منطقه که اخیرا افزایش و با فدا گسترده ای یافته امری تازه نیست خود دوما ل پیش برده از توطئه دیگری برداشته شد و آن اینکه امپریالیستهای آمریکا بی با تبا نی عمل - شان در خلیج و خاور دور، هزاران تن از افرادی را که آموزش نظامی خاص دیده اند از گره جنوبی، فیلیپین و تایلند ببنوان کار گز به مناطق خلیج و سرزمینهای نفتی گسیل میدارند. این افراد که فعلا ببنوان

## بیدادگاههای صهیونیستی در تقییب کودکان فلسطینی

فلسطین اشغال شده ۲۳ خرداد - وفا

بیدادگاه نظامی صهیونیستها در شهر جنین واقع در کرانه غربی اشغال شده شش کودک فلسطینی بسن ده الی چهار ده ساله را هریک به برداخت حرمه نقدی به مبلغ ده هزار لیریه اسرائیلی محکوم خا آنها ام بسن کودکان بر تها بطریقه های خالی بطرف سربازان اشغالگران است همین بیدادگاه یک جوان نازده ساله را نیز به برداخت حرمه مالی مبلغ پنجا هزار لیریه اسرائیلی محکوم خا بت.

این جوان نیز با تها سرگردگی و تحریک کودکان محکوم شده است. در شهر رام الله نیز یکی از بیدادگاه - های نظامی صهیونیستها دو جوان فلسطینی را با تها م سنگبان کردن نیروهای اشغالگر هریک به سه سال زندان محکوم نموده است.

راستی، امپریالیستها و عمالشان در برابر این خلق چه از دستشان بر ما بید؟!

کارگران فلسطینی بویژه در رشته نفت کار میکنند در کوی - های خاص خودشان نگه داری و محافظت میشوند و بدین بهانه که سینه های زندگی آنها با اهاالی مناطق عربی هماهنگی ندارد از تها آنها را مردم بومی جلوگیری نموده بسن هدف که برده از فعالیتها ی سری آنها ن برداشته شود. این با صلاخ کارگران "خارجی" خا رچی هر زمان که لازم بت بد صورت سربازانی در خواهد آ مدگه برای سرکوب توتها و قبا مهای مردمی و جهت حفظ منافع امپریالیستها و مشخصا منافع نفتی اقدام خواهد کرد. این "لیکترکی" مخفی نموده ای از سوا تها نیروهای مدخلقی علیه بوده های رجمتکن منطقه را نشان میدهد.

انحصارات سرمایه داری جهانی و همدستان مرتجع - شان از ترس انقلاب کارگران و رجمتکنان منطقه از ترس اینکه مسادسی نشانی اوضاع سیاسی ایران و... میا را از دست آنها گرفته و در نتیجه نیروهای انقلابی و کمونیستی بنوا دها اداها انقلاب سرچشمه منافع غارتگرانه امپریالیستها را بختگان دو منطقه را آزاد سازند، این چنین دیوانه وار به تها بوقا تها - اند و یکدم از تهدید دست برنمیدارند. از سوی دیگر حضور نیروهای سوسال امپریالیسم نو روی و نفوذ این کشور در افغانستان - بعنوان یک قدرت تقییب، عامل دیگری برای تمرکز فعالیتها ی امپریالیستی در این منطقه می باشد. اما دشمنان خلقها که نظام اجتماعیشان - سرمایه داری - به مرحله کشیدگی خود رسیده اند و ان - سرازیر شده از مرگ منجم خویش جلوگیری کنند، خلقهای منطقه، در پاسخ درست به این توطئه ها، خود را برای مبارزه انقلابی در از مدت آماده میکنند و اجاز نخواهند داد که رژیمهای سرمایه داری و ایستت جایی بی مستحکم بیداد کرده شات مورد نظر امپریالیستها را در این منطقه تها مین نمایند. امپریالیستها با توطئه ها و تها تها ی سرکوبگرانه شان، مگور خویش را می - کنند. این حکمت ریح است ■

- (۱) - علاوه بر بیگانه های مصر، ترکیه و پاکستان
- (۲) - برای توضیح بیشتر در مورد تلاشها و توطئه های تها و زکوران در آمریکا مراجعه کنید به بیگانه رشاره ۵۰ مورخه ۲۵ فروردین ۵۹

# پیکار

## مصاحبه با پدر رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری

● شخصی جنابینکاری که پسر مرا گرفته بود، محمد تقی باباشی نام دارد. او پس از برافتادن رژیم شاه دستگیر شد و نظریه خودش در دادگاه انقلاب مشهد اظهار کرد، بابت دستگیری پسر من ۷۰۰ تومان پاداش از ما واک گرفته بود. اما این شخصی که تعدادی از جوانان با ایمان و مبارزان دستگیر و اعدام نموده است به ۴ سال حبس محکوم شد و من به این رای اعتراض دارم.

● طبق اطلاعی که دارم پسر من مدت ۷۵ روز تحت شکنجه جانفرسای دژ خیمان ساواک بسر برده و تا دم واپسین نسبت به عقیده‌های که داشت وفادار ماند و جز "نه" کلمه‌ای نگفت.

در همین سال که شهید رفیق غلامحسین صاحب اختیاری، یکی از رفقا با پدر شهید مصاحبه نموده است که در این مصاحبه آقای اختیاری نقطه نظر - ات خود را راجع به مبارزه و فداکاریهای انقلابیون از جمله فرزندان شهیدش... توضیح داده است. در زیر قسمتی از این مصاحبه از نظر شما میگذرد:

ابتدا لازم میدانم درودهای گرم را بر شما رسانم تا خانوادگی رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری بر شما و ما حازه‌ها هم که مصاحبه‌ای کوتاه داشته‌ایم - تشکر میکنم. با کمال میل.

از آنکه فرزندان انقلابی شما، در راه پیشروان شدن انقلاب خدا میریایستی و دیوگراتیک ایران بسنه شهادت رسیده است چه حاسی دارید؟

پدر شهید غلامحسین نظر خود را در این رابطه اینطور توضیح داد:

- شما خانوادگی ما همیشه پیروی از سخن حضرت علی (ع) بوده که: "کونوا للظالم خصما و للظلوم معونا" یعنی دشمن ستمگرها شوید و با ستم‌دیده، خود مد راه مبارزه با ظلم و حمايت از طبقات محروم اجتماع فعالیت کرده‌ام و از آنکه بی‌سرم نسزد در راه حمایت از محرومین اجتماع شهادت رسیده و خون او و دیگر جوانان ما بر زرد راه انقلاب عظیم ریخته شده خرسند می باشم.

شما بعنوان یک پدر چه تائیری در تربیت او داشتید؟

- خانوادها همواره نسبت به تربیت فرزندان خود از کوشش داشته‌که افرادی را سنگوومبارز پرورش دهیم تا هیچگاه زیر بار زور و ظلم نروند و در مورد شهید ما هم همین صورت عمل شده است (پدر رفیق، سپس برخی از سوابق مبارزاتی خود و خانوادهاش علیه اشغالگران انگلیسی در زمان جنگ جهانی دوم و فعالیتهای افشارانه‌اش علیه قدرتهای ستمکار آن روز را بر شمرد)

نظر شما در مورد فرزندان شهیدتان چیست؟ چه‌خا طره- ای از او دارید؟ روحیات او را چگونه رزها بی میکنید رفتن را نسبت به محرومین جامعه چگونه بود؟ آیا از کار و فعالیت انقلابی و مخفی او اطلاعی داشتید؟

- غلامحسین در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی با من صحبت میکرد، با رها از زندگی مردمان فقیر جنوب شهر سخن میمان می آورد و میگفت اگر ما همگی در یک اتاق زندگی می کردیم، می فهمیدیم آنها چه میکنند هزینه هفت و عیاشی های دستگا ههای طاغوت را با

## گرامی باد خاطره رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری

بشنو، بشنو، بشنو!

از درباری خون شهیدان  
از نفس سرخ انقلابیون  
از اعماق زمین تیره  
از آرزوهای شکوفه‌های سرخ  
فریاد می زنیم:

تسلیم هرگز! تسلیم هرگز!

انقلابی بپا کنیم  
سنام کودکان محله "سینه"  
بنا مشیدان راه خلق  
سنام کارگران،

و انقلاب تا کز پیرفدا را به پیش بریم.  
(قسمتی از یک سرود انقلابی لسانی)

گرامی باد شهادت شهیدای بخون خفته خلق نه تنها خلیل از مبارزان قهرمانان این شهیدان است بلکه تجدید بینمای است با آنها در راه همان وفاداری به آرمانتان که آرمان والای زحمتکشان است.

رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری از جمله انقلابیونی است که در راهیهای حاکمیت دیکتاتوری و خفقان آن آریا میری، وظیفه خود را در جستجوی راه‌های زحمت- کشان یافت. در شرایطی که میریایسیم ویرما به‌داری وابسته خون کارگران و تنوده‌های محروم‌رانی میکید و بعنوان یک روشنفکر انقلابی حربه خلق را برگزید و حاضر شد تسلیم شرایطی نشود که دشمنان خلق برای او تدارک دیده بودند. در آن سالها، کوچکترین اعتراض کنایه بزرگ محسوب میگشت ولی برای او، سه اعتراض بلکه انقلاب علیه‌چنان وضعی وظیفه‌ای درجه اول بود.

رفیق غلامحسین در سال ۱۳۳۲ در آباءه بدنیسا آمد و در سال ۲۹ به‌دانشگاه صنعتی راه یافت. روحیه پرشور و زنده و محیط آکادمی بخش و مبارزه جویانه دانشکاه رفیق را در شناخت بیشتر دردهای زحمتکشان باری داد و او در مقوف دانشجویان انقلابی به‌مبارزه در راه‌های زحمتکشان ادا مهاداد پس از مدتی تماس و فعالیت در جارجوب بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۵۴ تمام می‌وجود خود را در خدمت به جنبش انقلابی خلق بکار گرفته و سز زندگی مخفی پیوست.

زندگی فقیر مردم سیستان و بلوچستان - که همواره با خود به‌آن مناطق سفر کرده بود- مقابله میکرد و همیشه آرزوی این بود که با یک قیام مسلحانه دستگا طاغوت و ازگون گردد و رژیم‌ها می طبقات رنجبر برقرار شود.

از آنکه او در راه پیروزی طبقه کارگر مبارزه میکرد و عضو بخش منشعب از سازمان مجاهدین خلق بوده چه حاسی دارید؟



رفیق غلامحسین بعنوان یک کمونیست صدیق در راه مبارزه با امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم، در روزی که دست سرمایه‌داران از جان کارگران و زحمتکشان کوتاه شود و در جستجوی راهی که به قیام دلورا به مسلحانه خلقی ما بسا نجا مدویسا طلنت و سلطه امپریالیسم و استعمار روستم طبقاتی و ملی از جامعه ما رخت برینده، در آن شرایط دشوار مبارزه میکرد. رفیق در خانه شهیدان زمان فعالیت می نمود و در ۱۸ فروردین ماه ۵۶ در فک حرم شهیدان ام‌مزدوران رژیم‌ها ش تا ه‌گرفتار شد. ۷۲ روز مقاومت دلیرانه و که در آن هیچک از اطلاعات خود را لو نداد و دستگیره‌های دژ خیمان ساواک را در راه خلق خود تحمل نمود - اری از میزبان وفاداری او سه آرمان رهائی بخش طبقه کارگر و دیکتاتور زحمتکشان میباشد. رفیق در ۳۱ خرداد همان سال در زیر شکنجه دژ خیمان شهادت رسید. روز جمعه ۵۹/۳/۳۰ مراسم ازجانب خانواده شهید اختیاری در بهشت زهرا برگزار گردید؛ از طرف سازمان نیز به همین مناسبت بیامی به خانواده رفیق فرستاده شد که در قسمتی از این بیام آمده است:

اکنون با دیدن کرمینا و انقلابی و خونین خود را با رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری و با تمام شهادت جنبش انقلابی خلقی ایران تجدید میکنیم و بیمان می بندیم که راه سرخشان را ادا مدهیم و از آنها الهام بگیریم به آرمانتان وفادار باشیم.

ما به‌خانواده رفیق شهیدمان درود می فرستیم که چنین فرزندان انقلابی را تقدیم راه‌های زحمتکشان نموده‌اند.

دره‌دمی فرستیم و بیمان می بندیم که برای حفظ سنتهای انقلابی شهادتی همچون رفیق غلامحسین، تا آخرین قطره خون خود در راه پیروزی کارگران و دیگر زحمتکشان ازبای ننشیم.

درود به رفیق شهید غلامحسین صاحب اختیاری و کلیه شهیدان خلق

- من حس میکردم که با مجاهدین خلق تماس دارم ولی از بی‌بختی آن سازمان مطلع نبودیم. در مرداد ۵۴ (یعنی زمانی که رفیق مخفی شده است) پیغامی از او دربارت کردم که گفته‌است "من بسرای زیارت به مشهد رفتم". او هر چند ما یکبار به ما تلفن میزد تا آنکه در ۱۸ فروردین ۵۹ در زندیکی حرم امام رضا دستگیر و به تهران اعزام میگردد.

بقیه در صفحه ۶



# هنرمقاومت هنرپرولتری



## چهرهٔ عریان رویزیونیسم در هنر (۲)

### جولان روح چاکری در اشعار رویزیونیستیها

اشاره مختصر و مفید به گذشتگان و عملکردهای عمومی هنر رویزیونیستی در سرجهان و همچنین سیاستهای ارتجاعی حزب توده در زمینه هنر، تدبیرها برای برخورد منحنی به فعالیتهای آنان در رشته معرفی می آورد.

مقدمتا با بداندان کید کرد هندی که حزب توده مبلغ آن است، بنا به ما هیت رویزیونیستی خود هیچ نشانی از آموزشهای لنینی ندارد. اشعاری که در روزنامه "مردم" منتشر میشوند تنها نقشی در بسجج پرولتاریا و توده ها علیه هیئت حاکمه ضد خلقی، درد آمیز زدن به مبارزه طبقاتی و تمرکز همه نیرو در جهت تاسیس آگاهی های طبقاتی پرولتاریا باغای می کند، بلکه با همه قدرت علیه آن می سیزد. این اشعار به تنهایی روح آشتی ناپذیری را در انقلابی ترین بخش مردم به معنی طبقه کارگر برمی انگیزد و در راستای بیدار نگه داشتن روحیات کنین خواهان نه روز مجبورانه توده ها کام بر نمی دارد بلکه مبلغ روحیات تسلیم پذیری، بونی، آستان - بوسی مذهب و انا عده هنده خرافه ها و باورهای ایدئالیستی است و میکود روح سازش و آشتی را در طبقه کارگر و توده ها بدمد.

لنینیسم می آموزد که هنر ما رکیستی موظف است همواره با بیکار مستقل پرولتاریا و ملزومات شبرد او با تکیه به هدفهای دیکتاتوریش به جهان برخورد کند، در حالیکه رویزیونیستها در هنر آشکارا علیه این آموزش درخشان جبهه می گیرند. لنینیسم می آموزد:

"تاسیس کارهای تعلیم و تربیت کارگران و دهقانان در رشته آموزش سیاسی بطور عمده در رشته هنر بطور خاص، باید با روحیه نبرد طبقاتی به اتمام پرولتاریا برای دستیابی موفقیت آمیز به هدفهای دیکتاتوریش در هم آمیخته شود؛ سرتیگونی بورژوازی، برانداختن طبقات و محتوای اشکال استثمار انسانان."

(درباره فرهنگ پرولتری، لنین) در حالیکه رویزیونیستها حزب توده در هنر، به جنگ خصمانه با این آموزش اصولی برمی خیزند، نکته دیگری که قبل از پرداختن به اصل مطلب باید مورد توجه قرار داد، اینست: اگر ما قادر کردیم عمیق و طبقاتی از رویزیونیسم با شیم، اگر ما رویزیونیسم حزب توده را به معنای کارگر روسیال امپریالیسم، بدرستی درک نکنیم، چه ما در برخورد با آنها را عنوان "توده ای" گرفتارانشنا و هم کردن خط سیر اصلی این آشکار بشویم، در مضمون و زبان این "اشعار"، طاهرا انعکاس از روحیات خرد بورژوازی وجود دارد، طبیعی است

اگر اشراف و اربابان بیداده ها را با آن زمینه ایدئولوژیک که همچون فطینماشی، سمت و سو و کواش اصلی اجزای شعرا تعیین می کند، در تاسیس، اگر ما قادر تاسیس که درک کنیم این احساسات و عواطف، در حقیقت بازتاب استن آرماتیا و خواسته های خرد بورژوازی

تخیلی که در این شعور وجود دارد، تخیلی است در جهت وارونه جلوه دادن واقعیات کنونی. تا عریبک تخیل، بر حضور و کمیت ارتجاع و ضد انقلاب برده می کند و اثری واقع گریز و تذبذب می آورد. در حالیکه مسئله خلق بلاغ توده ها در دستور قدرت جنگ آوردگان قرار دارد، در حالیکه بدلیل باقی ماندن سیستم سرمایه - داری وابسته و تلاش برای ترمیم آن بوسیله هیئت حاکمه، در شهرها مدام بر ضد دانش گران امزده میشود، در حالیکه سردمداران جمهوری اسلامی با کینه دشمنی خویش را نسبت به آگاهی خلق بروزی می دهد و میکود دسنا وردی را که نسبا و سنها حاصل سیردخوسن توده ها بوده است از چنگ سیرون کشند، در حالیکه رژیم بکدوره از سرکوب خلق کردراشت سرگذا رده و در این صاف بوره اش توسط مقامات و مت گران دلبر کرده خاک مالیده شده در حالیکه در همین آدرما - سا راه انداختن هماغوی تا زای معنی صرف جاسوخانه آمریکا میکود خود را مدام میربا لست قلمداد کند و زمینه را برای سرکوب بیشتر خلقها و انقلابیون و

● اشعار رویزیونیستی، نه تنها روح آشتی ناپذیری را در انقلابی ترین بخش مردم یعنی طبقه کارگر برمی انگیزد و در راستای بیدار نگه داشتن روحیات کنین خواهان نه روز مجبورانه توده ها کام بر نمی دارد بلکه مبلغ روحیات تسلیم پذیری، بونی، آستان بوسی مذ هب و اشباع دهنده خرافه ها و باورهای ایدئالیستی است و میکود روح سازش و آشتی را در طبقه کارگر و توده ها بدمد.

نست، بلکه محصول رویزیونیسمی است که امروز خود را سرتیگ آرزوها و روحیات خرد بورژوازی، مرفه سستی درمی آورد تا با سایش نشاندادن ضد انقلاب، راهی برای نفوذ سوسال امپریالیسم با زمانند، به بیراهه خواهم رفت یعنی اگر ما به خلعت کارگرانه رویزیونیسم حزب توده و خدمتگاری آن در پیکار سوسال امپریالیسم وسیع و افق نیاسیم، بونوجه بکنیم در این راه بهمان وقاحت و سادگی که آنان امروز به دروسرگسی، دست سوز خرد بورژوازی مرفه سستی پیش میبرند، و فحج تراژان و شرایط مفقعی به مداحی سوز و آزی می بردازند، در آن صورت درک ما چون با راهی از سیر و - ها از حزب توده بطور کلی و از هنر رویزیونیستی تا عریان توده ای بطور مشخص، درکی انحرافی و ساده لوحانه و سطحی خواهد بود. اکنون به متن سیردازیم:

### اشعار مردم: تصاویر دروغین واقعیت

در روزنامه "مردم" نمونه های فراوان از اشعاری یافت میشود که در آن مستقیما و آشکارا به مداخلی طبقات حاکم پرداخته شده است. اما مهمترین آن سلاسی است که در آن اشعار عریان رویزیونیست جهت بازگوشن نما باندن واقعیت بکار می رود. این اشعار رکوشن بعمل می آورند آگاهی توده ها را از انقلاب مشغوب سازد و بدروغ تصاویری از انقلاب بیروزمندارانه دهد: در شماره ۱۰۲، دوشنبه ۵ آدرما ۵۸، روزنامه مردم شعری منتشر می کند با نام شهر انقلاب:

شهری که دیگر گورستان نیست / شهری که در آن کتاب جزو راز ق عمومی است ... / و با ممدادان بر سر گذرگاهها / سهمیه مان و "ژ" را بیکامی دهند /

این چهره که ما شهر است که بیگونه تصویر میشود؟ آیا نبش از این میتوان هنرا متعهد به ارادتشسته تصاویری دروغین از واقعیت کرد، تصاویری که از فرط تناقض با حقیقت بدل به هذیان گوشه دلگانه نشده است؟ آیا بیش از این میتوان تخیل خدعه آمیزی را که گرفتار سیمای رویزیونیسم است در جهت فریبکاری بکار گرفت؟

آری وقتی که اشعار عری حمله گران در گوش توده ها می خوانند که صبح تا سناک فرا رسیده و می گویند به آستان از طریق زبان هنر، بغیولاند که انقلاب بیروزنده است طبیعی است آنچه را که / جمله می برد هنوز / تا کند خراب / آنچه هست / یعنی توده های را که هنوز برای ویرانگی نظم سرمایه داری وابسته به بیکار انقلابی ادا می دهند، به نام "شب بخواند و آستان را با سبیل ساهسی معرفی نماید این شعریا نگر روحیات چکاسنی است که در دهن آنان مبارزه مرگ و زندگی زحمتگان نشانده ساهی است و آنچه هست" یعنی حاکمیت طبقات ضد خلق و ضد انقلاب، یعنی ادا به نظم جهانی سرمایه داری وابسته، "عظرمهر" می بردا کند و بصورت "صبح تا سناک" جلوه می کند؟ آیا این جراحاسات و با زتاب عاطفی نیرویی ارتجاعی در هنر، چیز دیگری است؟

### ملک الشعراهای دربار ضد انقلاب

سناش ضد انقلاب، طبقه کارگر را به نحو مفاسرت بینه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱

جنگ...

۱- انتخابات ریاست جمهوری

علم شدن استاد (جلال الدین فارسی افغانی!) را از طرف حزب جمهوری اسلامی بعنوان "مرد جهاد و هجرت" برای ریاست جمهوری و میلیونها تومان پولی که از دسترنج زمینکنان خرج تبلیغات دروغ ویسی - با بهای ی شناسایی شخص را به ریاست جمهوری برسانند و بیستما به مهره‌های از او در جهت منافع خود استفاده کنند، مسلما بخوا طردا رید. ونیز پیا ددا رید که رقیبا "پنهان" ایشان را چگونه روی آب ریختند و افغانی بودنش را پیش آیت الله خمینی برملا کردند. وجه فاحش بار دست ویای حزب جمهوری اسلامی را در پوست گسرد و گذاشتند.

اما این حزب و اعوانش از نیگا بویا زمانه نندند و خمینی را برای ریاست جمهوری کا ندید کردند (همان کسی که امروز با نخست وزیر ایشان مخالفت میکنند) اما دست آخر کلیه کوششها و ترغیبهای حزب بلا اثر ماند و کا ندیدایش در سرنا سرایران علیرغم حمایت ونا شنید بخش اعظم روحانیت، حتی بیک میلیون رای نبردست نیافت و رقیب که بنی صدراتی شدرا انجام در انتخابات پیرور شد.

بنی صدر در جریان فعالیت انتخاباتی که منافع خود و گروهش مطرح بود، ناگهان ا همه با تصور در مطبوعات بی برد و همه معروض بودن مطبوعات دولتی هم هر زرفتن بول "مستمعین" که جنین مطبوعاتی از آن ا رتقا ی میکنند. او در یکی از سخنرانیهای زاد بولویز سونی ان برای انتخابات صریحا ویا ذکر نام روزنامه‌های جمهوری اسلامی، کپهان و آژادگان را مقصد و سوطه کپرو تحریف کننده و ا قعیات خواند و به سخن بریلندگوهای تبلیغاتی حریف او جمله را دیو نیازیون تاخت.

با لخره بنی صدراتین بازی را بردولی حریف (حزب جمهوری اسلامی) هما نظور که گفتیم آژانها نبود که میدان را خالی کند. در مقابل تا کید بنی صدر بر "وجدان عمومی" و آکا هی مردم، حریف از خوشحالی آمریکا، از انتخابات بنی صدر بعنوان رئیس جمهوری اسلامی ایران، سخن میگفت (رجوع کنید به شماره‌های آژادگان هما نروزها که بزرگترین تیترشان به این تعلق داشت که بگفته هودیک کا رتر، کا خ سفید از انتخابات بنی صدراتیها روخوشونی کرده است) و اینکه "رئیس جمهوری خیلی هم کارهای نیست" (بهشتی).

در مقابل بنی صدر نیز چنین گفت "عده‌ای هستند که ما میل اندمن رئیس جمهوری نامولی و ظایف مرا آنها انجام دهند". (ا طلاعات ۲۰ خرداد، مباحثه با نا راجی) در واقع آژانها که پست ریاست جمهوری یکی از مراکز مهم قدرت میباشند هر یک از دو جناح می کوشیدند تا با در دست داشتن آن به اعمال سیاست خود بپردازند. ولی روشن است که بدون داشتن بنیشتوانه محکم در مجلس این کار مشکل بنظر می آمد. لذا دور بعدی رقابت حول انتخابات مجلس شورای ملی متمرکز شد.

۲- انتخابات مجلس شورای ملی

با اینکه بنی صدر بلافاصله بعد از پیروزی از طریق دفترها هنگی ان تکویر تشکیل داد و سعی او فرمیدول داشت که "وجدان عمومی" را متقاعد کند تا کسانی را انتخاب کند که مجلس هما هک و منطبق با سیاست

رئیس جمهور با ندوبا رد بگر قضیه مجلس خبرگان کسه اکثریتش را حزب جمهوری اسلامی تشکیل میداد و تکرار نشود، اما با توجه به نفوذی که حریف در آذهان توده - های نا آگاه داشت و با سوا استفاده از احساسات مذهبی مردم و صدور فتواهای جوروا جورودر دست داشتن غالب اهرمهای اجرائی، بویژه در اختیار داشتن پست وزارت کشور آنهم توسط یکی از رهبران (هاشمی رفسنجانی) و با لخره تغییرات وسیع و گسترده‌ای که در زمان تصدی کونا همدش بر این وزارتخانه در استانها رپها، فرما ندریها، بخنداریها و... انجام داد، زمینه برای تمایل "وجدان عمومی" به طرف حزب بیشتر و بیشتر فراهم شد. مخصوصا با طرح ارتقا عی دومرحله‌ای، راه برای جناح حزب هموارتر گردید ولی تا ما سنها

در انقلاب اسلامی ۲۰ خرداد سخن ما را روشنتر میکند. لاهوتی که اکنون در کنار لیبرالها قرار دارد (و از حزب دلش پر خون است) در جواب به اینکه آیا جناح منفردین (یعنی سوی نما بندگان حزب جمهوری اسلامی ونهت آزادی) در اکثریت است؟ آنها ر میدارد "در اقلیت هم نیستند". اگر در جنبه حزب (جمهوری اسلامی) افراد حزب را در نظر بگیریم و نه آنها شبکه از طرف حزب تا شنیده اند در انصورت منفردین (که در اینجا بنا مل نهت آزادی نمی شوند، بیکار) اکثریت را خواهند داشت "البته این حرف لاهوتی نمودی است از آنچه ما گفتیم، بدین معنی که ما معتقد نیستیم کلیه منفردین در مقابل حزب می ایستند. ولی بخشی از آنها از حزب دورتر شده و هما تب جناح بنی صدر میل

● جناح بنی صدر برای "هما هنگی و انطباق مجلس با برنامه های ریاست جمهوری" تلاش می کند تا جناح حزب را کاملاً تضعیف نماید و حزب نیز بنویسه خود می کوشد تا موقعیت ویژه خود را در مجلس حفظ کرده و از این راه موانع متعددی در راه اجرای سیاستهای بنی صدر بعنوان رئیس جمهور بوجود آورد.

● اما بنی صدر که به قدرت "حزب... د" در مجلس آگاه بود تلاش کرد که قبل از تشکیل مجلس نخست وزیر مورد نظر خود را با تأیید آیت الله خمینی ویا عنوان نخست وزیر موقت انتخاب نماید و پس از تشکیل مجلس نیز مجلس را وادار نماید به نخست وزیری که اما نهایتش کرد هاست رای اعتماد دهد. و برای همین کار از امام نیز تأییدیه گرفت اما هرگز موفق به انتخاب نخست وزیر نشد چرا که حریف قوی تر از این هابود.

خواهند کرد و این امر با تکرار در تروبه تحلیل حزب حتی در مجلس ونفوت جناح با صلاح لیبرالها میا ندوا کر توجه کنیم که لیبرالها به رهبری بنی صدر چه کوشی بعمل می آورند برای نفویت جبهه‌شان با جلب بخشی از روحانیت (نوجه کنیم به موانع و عملگردهای اشرافی، اومی کوید: "همه مسئولیت داریم بنی صدر را حمایت کنیم". ما مداد ۱۸ خرداد) بشدت بحران در "بالا بهتری می برم.

بدین ترتیب منوجه می شویم که جناح بنی صدر برای "هما هنگی و انطباق مجلس با برنامه‌های ریاست جمهوری" تلاش میکنند تا جناح حزب را کاملاً تضعیف نماید. و حزب نیز بنویسه خود می کوشد تا موقعیت ویژه خویش را در مجلس حفظ کرده و از این راه موانع متعددی در راه اجرای سیاستهای بنی صدر بعنوان رئیس جمهور بوجود آورد. جناح بنی صدر میداند که بدون اکثریت آراء موافق مجلس با "رئیس جمهور" کار اساسی نمی توان انجام داد و به همین خاطر صحبت از "هما هنگی مجلس با ریاست جمهوری" میکنند و حزب نیز برای ضربه زدن به حریف صحبت از "تطبیق رئیس جمهور با مجلس" میکند.

بنابراین هر یک از جناحهای هیئت حاکمه می - کوشند تا با در دست داشتن مجلس به شیوه خود توده‌ها را بفریبند و به شیوه خود قوا تین ارتقا عی را تصویب نموده و در جهت منافع خود کا م بردارند.

۳- انقلاب فرهنگی

ما در شماره‌های مختلف بیکار و نیز بی نظری اعلامیه‌های جداگانه بنیان کرده ایم که دانشگاهها به سنگر آزادی و آگاهی چون جاری بوده است در چشم کل قدرت حاکم و جناحهای رژیم و از جمله دو جناح برتر آن که مترصد فرصتی و قدرتی بودند که تا هر یک بشیوه خاص خود دانشگاهها را بر عمو خود از وجود عنامرکونیست و انقلابی پاک کنند و تا اندازه زیادی از افغانی ما هیت ارتقا عی رژیم که دانشگاه یکی از بایگای مهم بین افغان - گریها بوده است مما نعمت بعمل آوردند. بر این اساس

دل برده‌ها را در منقلب حزب آرام نمی کرد. آنها نمی توانستند برد جنسی خود را در این مرحله کاملاً تضمین کنند. با اینکه می دانستند جریان مسبور اغلب از خودشان اند، با طریس از خودشان ان حساب کرده و اکثر کمنیسه‌ها دنیا رندگی، سبها به ایداران، ا بزار دست آنها می یابند، بنیمن جیت حزب "اخلاق" اسلامی را کا رکا رکا در آو آنجان به عقلمیات گسترده‌ای دست زد که امرادی نظیر طرها احمد زاده گفت "این انتخابات زوی انتخابات آژان مپری را سفید کرد" و با ران بنی صدراتی که کردند و در این باره گفتند: "به برخی از خلایک رپهای حزب، آنهم فقط در دو سه ماه اخیر نظری می افکنیم تا روشن شود شما چه کردید؟" اختلاف بزرگ راه انداختند، از تقلب و اعمال نظر در انتخابات چشم پوئی نکردید. هر جا که انتخاباتی را با خنید، با یا ظن کردید - اگر می توانستید - ویا بمعده شعوبتش گذاشتید" (انقلاب اسلامی، ۲۰ خرداد مقاله ما و حزب)

با لخره "انتخابات علیرغم تقلبات فاحش بار و علیرغم کلیه تشنشات برای جلوگیری از زور و نیرویهای انقلابی، مترقی و رقیبای با صلاح لیبرال به مجلس و علیرغم محروم کردن تعدادی از شهرها کسه با احتمال بسیار زیاد، نما بندگان مردمی و کمونیست در آنجا انتخاب می شدند... تمام شد و نتایج اعلام گشت. روزنامه جمهوری اسلامی بلافاصله با خط سبز و تیترو درشت اعلام کرد که فراکسیون خط امام پیروز شد (انقلاب اسلامی ۴ خرداد، بنیشتا به سخنگوی بخشی از جناح لیبرال در سرمقاله‌اش در باره همین فراکسیون خط امام می نویسد: "... چون این روزها چندین بار بحث از فراکسیون خط امام و... شد. لازم است که دانسته شود، خود این بحث و عنوان اینکه فلان دسته فراکسیون خط امام را تشکیل میدهند، خلاف خط امام است). اما حزب خودش نیز می دانست آن نظور که میخواست پیروز نشده و موقعیت مستحکمی را دارا نیست. لکن قرائن این نظور نشان میدهد که حتی در مجلس نیز تا همین ترازو اگر چه نه در حال حاصرو لی بتدریج بسوی "لیبرالها" میل خواهد کرد. نگا هی به مباحثه با لاهوتی منسدرج

هر دو جناح در این مورد همچنان که در تمام مواردی که در مقابل حلقه‌ها و نیروهای انقلابی قرار می‌گیرند در هدف و مقصود مشترک بودند و آنچه که در اینجا دو جناح را از یکدیگر متمایز می‌سازد اینست که با زحمات و پیوستن سوه و ناکنک بود.

حزب جمهوری اسلامی درست به آن دلیل که موقعیت و اسکان خود یعنی "انجمن اسلامی دانشجویان" غیره را در دانشگاه و روز بروز در حال افول میدید و در مقابل هر روز با زحمات بیشتر نیروهای انقلابی و مترقی نبود خود را در میان دانشجویان مبارز کمتری می‌داند. در پی پایان دادن به این وضع نبود. سنی مدرن‌تر از راهی است که به معنی محدود کردن حوزه عمل و فعالیت دانشجویان انقلابی و پایان دادن به فعالیت آنها در پی جا ره بود. حزب برای اینکار تعطیل سراسری دانشگاهها را برای مدتی نامعلوم و در زیر سرپرستی "انقلاب فرهنگی" علم کرد (که البته در همین رابطه قصد داشت تا بدست گرفتن اینکار را عمل در مورد ویانکیه سرانجامی های اسلامی و به جانب آن کشیدن بوده‌ها... موقعیت خود را در درون هیئت حاکمه تقویت نماید). حزب جمهوری اسلامی این سران را به پایان رساند و داری رستمیانی از دانشگاه تبریز آغاز نمود. سنی مدرن تر بنا طوطی و اردستان و اول برای اینکه حریف را در موضع ضعف قرار دهد و اینکار عمل را از دست او خارج سازد و کوشش کرد که با ملاحظه سرکوب صورت "قانونی" دهد و به همین لحاظ موضوع را به شورای انقلاب کشاند و در آنجا پس از جا به زدن سنا حریف و عقب راندن او از مواضع عقب مانده این صحنه اینک در اطالی ترس مسئله یعنی سرحدن هفتاد و نه دانشجویان مترقی و انقلابی با وی توافق داشت. تعطیل هیئت دانشگاهها به ۱۴ خرداد موقوف کرد و تصمیم در مورد تعطیل دائمی آرا سرزده اند که موقوف نمود و بعد هم بدینجه که چگونه بوده‌ها ی نا آگاه در برای رود روشی با دانشجویان به جانب آنها کشاند و در سخنرانی ۴ اردیبهشت، کینه و بغضی را نسبت به دانشجویان انقلابی نشان داد که حریف نشان میدهد اما اختلاف دو جناح در این مورد همچنان با سرچشمه، حزب همچنان بر تعطیل طولانی مدت دانشگاهها اصرار را در پی داشت. در جناحی که این سیاست را سیاست "کله سوکوپا" و خشک مغزها میخواند، با آن مخالفت می‌نماید.

## ۴- انتخاب نخست وزیر

درگیری دو جناح در این مورد نیز بروز آشکار داشته است. اینکه نخست وزیر چه کسی باشد؟ اینکه ترکیب کابینه چگونه باشد؟ مسئله است که دو جناح را که برای سهم بردن بیشتر قدرت در تلاشند درگیر کرده است. سیاست بنی صدر در این مورد انتخاب یک نخست وزیر با صلاح لیسرا ل و کابینه "انقلابی" است، بنی صدر قصد دارد در این کابینه جناحی مختلف لیسرا ل امع زینت آزادی داخلی و خارج و... را بگرد آورد تا بتواند در مقابل اعطای حزب جمهوری اسلامی که حتما در کابینه حضور خواهد داشت قدرتی داشته باشد بنی صدر - البته اگر بنی صدر حتی از عضویت عناصر مترقی برای اهداف خاصی که دارد، نظیر برخی از هواداران مخالفین خلق و... نیز در کابینه استقبال می‌نماید. اما در مقابل حریف نیز برای کسب موقعیت برتر در کابینه، مکانها مهمی در دست دارد که در این مجلس است که با بدیهه نخست وزیر و کابینه را اعطاء دهد. بنا به جویند بنی صدر است

است که "حزب جمهوری اسلامی" نظرات خود را در مورد نخست وزیر و کابینه اعلام می‌نماید. "حزب" و "لامخالف هرگونه کابینه انقلابی است! و در اینجا نیز با حریف "خط امام" میدان می‌آید: "نخست وزیر در این شرایط بحرانی باید او است که یک جریان فکری متخلف باشد - که از نظر حزب همان خط امام رهنی باران حزب است! - تا کابینه‌ای که ترسب میدهد از انجام کافیه برخوردار باشد! اینکه کابینه اش کلکسیون از مناهیرها همگن و نامساوی - بخوان کابینه انقلابی مورد نظر بنی صدر! - باشد (روزنامه جمهوری اسلامی) ۱۹ خرداد - مقاله "وزیر کسب" است. نخست وزیر (و با حزب جمهوری اسلامی که بر ضعف "عمومی" از خارج برکنگانی نظیر بنی صدر آگاه

بنظری که حتی سران جناحها مستقما یکدیگر می‌نمایند و تا زنده و با هم مرا هم علیرغم تاملشان حفظ نمیکنند، آنچه را با بدروش کردا بستگی ما هیت بحران در سالا چیست؟ در رابطه با توضیح بحران با بدگوشی که دعاها و اخلافا تا بن دو جناح به هوجوه حبه کفیه و ما هوی ندارد. یعنی اینکه یکی صدا انقلابی و دیگری انقلابی، نسبت با یکی مدخلقی و دیگری خلفی، سبب بلکه هر دو در جنبه صدا انقلاب و ارتجاع قرار دارند. هر دو در مقابل منافع و مصالح بوده‌ها عمل میکنند و هر دو هم اساسا آنجا که در مقابل نیروهای انقلابی و کلا انقلاب قرار میگیرند و متحد و متفق میشوند در همین رابطه خا منای میگوید: "دشمنان ما با بدیدانند که اگر مسئولان بالای مملکتی در امور کوچک با یکدیگر

● خا منای میگوید: "دشمنان ما باید بدانند که اگر مسئولان بالای مملکتی در امور کوچک با یکدیگر اختلاف سلیقه داشته باشند در مقابل دشمن اسلام و دشمن استقلال و دشمن آرا من و امنیت این مملکت یکپارچه و متحدند" (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴ خرداد) "دشمنان"، "امنیت و آرا من" و "استقلال" از نظر حاکمان سرمایه داران و زمینداران معلوم است چه معنایی میدهد در یک کلام انقلاب علیه انقلاب، دشمن ستمگران است و به همین خاطر آنان علیه انقلاب متحد می‌باشند.

● "اگر حزب جمهوری اسلامی در شرایط کنونی در پی آنست تا انقلاب و نیروهای انقلابی را با توسل به شیوه اعمال خشونت ارتجاعی بر عیان ازین ببرد. باید بنی صدر را مقرب در پی آنست تا برای رسیدن به همان هدف به شیوه اعمال خشونت ارتجاعی و بان شیرینی یعنی صاحب در ژوئیزون، مذاکره در بالا و دادن برخی امتیازات جزئی بپردازد."

اختلاف سلیقه‌ها شده است و در مقابل دشمن اسلام و دشمن استقلال و دشمن آرا من و امنیت این مملکت یکپارچه و متحدند (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۴ خرداد) "دشمن امنیت" و "آرا من" و "استقلال" از نظر حاکمان سرمایه داران و زمینداران معلوم است چه معنایی میدهد در یک کلام انقلاب علیه انقلاب دشمن ستمگران است و به همین خاطر آنان علیه انقلاب متحد میشوند و دشمنان و مدخلقی‌شان در راه منافع ویژه‌شان در هر لحظه بر روی یکدیگر چنگ و دندان میکنند و برای تضعیف دیگری سعی خوش تلاش میکنند و برای کسب قدرت بیشتر در مملکت حکومتی را با اعمال هژمونیک و رهبری خود بر دیگری کوشش می‌نمایند. زیرا درست است که هر دو جناح خواهان بازسازی نظام سرمایه داری و بسط ایران هستند. درست است که هر دو جناح در این رابطه در مقابل خلق و انقلاب قرار میگیرند و در این مورد ساری یکدیگر می‌شناسند، اما این تمام مسئله نیست. بلکه مسئله این است که در راه این اهداف جناحی درون رژیم و نیز دو جناح قدرتمند کنونی هر یک منافع خاص خویش را نیز دنبال میکنند و هر یک برای اعمال نظریات، سیاستها و شیوه‌های خود و مهمتر از همه برای سهم بردن بیشتر از قدرت به مقابل یکدیگر با دیگری می‌پردازد. هر یک تصور میکند که با اعمال سیاست خود بیشتر و بیشتر میتواند به رژیم حاکم "امنیت" و "ثبات" بخشد، جناحها با یکدیگر رقابت میکنند و آنکه در عین حال حرکت آنها حیات کل رژیم سرمایه داری و بسط را در خطر اندازد. هر یک به حریف ضربه میزند، میگوید حریف را تضعیف کند و موقعیت خود را بهبود بخشد و در همان موقع در برابر انقلاب صف آزاری میکند.

ما رکنی در این باره در کتاب جنگ داخلی در فرانسه چنین می‌گوید:

است و حزب میداند که اکثریت را از بنی صدر همان از فریک برکنگانی تشکیل می‌دهند و در مورد ویژگی‌های نخست وزیر در هر دو جناح می‌نویسد: "نخست وزیر باید فریکی مآب باشد، غرب زده باشد، ملامت‌ناش باشد، نوجه کند نخست وزیر ایران حتی المقدور تحصیل کرده غرب باشد و حوسم دولتی به دست و پا من فریک و فریکسی مآب باشد و سنده باشد" در اینجا سنا یک یکدیگر را برای خوانندگان قابل توضیح می‌نمایم و آن اینکه حزب جمهوری اسلامی در اینجا نوجه به مکان نخست وزیر حیمی گفته می‌شود زیرا سنا آنرا اعلام کرده است، به همین کوشه رده است همان حیمی که در مان اعلام کابینه کشید و برای ریاست جمهوری از طرف حزب (که از سنا جاری صورت میگرفت) اقامت نزدیک به ۴ ماهه او در سنا قرار نداد "مها حزب" اما مندا! و آنرا "فصلت" نیز محسوب دانست! (ما کتا و لیسر می‌همین!) اما بنی صدر که قدرت "حزب" در مجلس آگاه بود تلاش میکرد که قبل از تشکیل مجلس نخست وزیر سر موردر خود را تا شد آید الله حیمی و با عنوان نخست وزیر موردر انتخاب نماید و پس از تشکیل مجلس نیز مجلس را وادار نماید به نخست وزیر که امام تا شد این کرده است رای اعطاء دهد برای همین کار را امام نیز تا شده گرفت اما هرگز موفق به انتخاب نخست وزیر نشد چرا که حریف قوی تر از آن ها بود. انقلاب اسلامی ۲۶ خرداد دوشنبه "در انتخاب نخست وزیر (هم) اینقدر سنا انداختند که ما به امروز ممکن نشده است... بدین ترتیب بنی صدر نه فقط قبل از شروع کار مجلس که بعد از شروع آن نیز موفق به اینکار نشده است.

## ماهیت بحران در بنی صدر و ریشه‌های آن

ما در قسمت اول این نوشته بطور مستند نشان دادیم که چگونه در جناح قدرتمند حاکم "وحدت کلمه" را "فرا موش" کرده و "اخوان اسلامی" را زیر پا نهاده اند.







# پیکار

## ۲۹ خرداد ۱۳۳۰

### طلیعه تابناک مبارزات ضد امپریالیستی توده‌ها

سرما به داری وانسته، دیکر بورژوازی لیسرال حطت مرفضا نه خود را ادرست مند خود نموناندا مبارزات صدا میربا لیسری بوده‌ها همکا می‌دانسته‌اند. لیسرال - ها حتی در او خردورنه‌ها هنرشنا رهای رفیرمیسی می‌دادند شعار تا هاندا طلبت کنده حکومت "را" نکرا میگردند سغاری که کا ملاندا غفلانی بود و نبودن طیفه‌کا رگرکه‌نا به آخرا غفلانی است در رهبری مبارزات آسروز موجب ندکه بعد از سرورزی خطنهای ایران در خلع بناداز امیرالاسم انگلیس، با کودتای امیرنا - لیسری ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ سما می‌دستا وردهای خونین حسن افغانی و صدا میربا لیسری توده‌ها، زیر سرورزی امیرنا لیسری آمریکا و سرگردان دا خطن یعنی رژیم مغبورنا دفرار گرفت.

بردی سبت که دیکر محمد صمدی، با نتیبا سی وسیع بوده‌ها برای کت استغلال ملی، مبارزه کنسد اما این رهبری غفلت تا تکبری و نا نوای تاریخی - طبقاتی نتوانست خطن غا رنگرا نه امیرالاسم آمریکا را سخمین داده و مبارزات بوده‌ها را تا سرنگونی رژیم بلطینی وواسته تا هدایت نمابند.

اکنون سرسعد ارتبا شکوهمند سیم ۱۳۵۷ وسعد از جانب غربان سورژوازی لیسرال به انقلاب تحریک حاصل ارسا لیا مبارزات بوده‌ها، رخمکنش ما نشان داده‌است که حسن افغانی بوده‌ها، تنها زما می‌توانند به سرورزی کامل ما مثل آنکه از رهبری و هدایت نیبا طبقاتی به آخرا غفلانی - طبفه‌کا رگرته‌رمان - برخوردار باشند.

خاطر هر روز خلع بنادرا کرامی بناداریم و با انکا - به مبارزات خلفمان و درسهای عظیم آن، سرورزی نهایی کارگران و رخمکنان را بناداریم.

#### توضیح:

دسا له مقاله "خودان" با دخاله ۱۵ خرداد ... که به نظر طبیعی می‌باشد در سکا ۵۸ درج می‌شد، غفلت مطالب ضروری بود و خود بودن صفات بیگانه به تعویق افتاد و اینک غفلت تا خبر با سرورزی از خوانندگان ارجاب آن صرف نظر می‌شود.

● در این روز کارگران رخمکنان صنعت نفت جنوب، با تائین کشیدن تابلوهای شرکت نفت انگلیسی به بکه نازی ۵۰ ساله امیرالاسم انگلیس در غارت هوشهای ملی میهن ما پایان دادند.

تاریخ مبارزات فیرما تا ده خطنهای میهن ما آکنده از رورهای افکارا فرسی است که هر یک از این رورها، انگکاسی ارتبا م توده‌های رخمکنان، غلبه یطغه غارتگرانه امیرالاسم انگلیس بر میهن ما می‌باشد. روز ۲۹ خرداد سکی اراس روزهاست ۲۹۰ سال بنی در حسن روری، دولت ملی دیکر محمد صمدی با سرخورداری از حجاب عظیم توده‌های رخمکنان، و سوزده کارگران مبارز صغیر صغیر طلع بناداز امیرالاسم غارتگر انگلیس از سرما بظلی ما - نفت - را اعلام کرد. در این روز کارگر - ان رخمکنان صنعت نفت جنوب، با تائین کشیدن تابلوهای شرکت نفت انگلیس به بکه نازی ۵۰ ساله امیرالاسم انگلیس در غارت هوشهای ملی میهن ما پایان دادند. آنیبا نشان دادند که اگر توده‌های ملیسوی بنا خیزند، می‌توانند ساطت سرکترسی امپراطوری های عصر را درهم کوبند و سرورزی خود را بندها بنویسند. خوش سیمین سیمین، اگر چه مبارزات بوده‌ها، رخمکنان ما برای قطع دست غارتگر امپراطوری انگلیس، با توجه به مضمون عمیق ضد امیرالاسم آن، در این مرحله به سرورزی انجامد، اما آنا که اس مبارزات از رهبری سیکرونا به آخرا غفلانی یعنی طبفه‌کا رگرته‌رمان رسد، سوا است استغلال سیاسی - اقتصادی ایران را از دست طبفه‌کا رگرته‌رمان لیسری مومون بکهدارد.

در آسومان با توجه به سخت سیمه فتوال - سیمه سیمه‌ها که ما، بورژوازی ملی حطت مرفضا نه دانست و میسوانست مرحله‌ای از مبارزات صدا میربا - لیسری خلق ما را به سرورزی نرساند. مهندس بازرگان رئیس هسها - اعزای برای خلع بناد و سوا استغلال سیاسی از خارج انگلیسها صنعت نفت را سوا بناداز ما بعدا بدلیل تغییرات اخت اقتصادی جا معا ما به سیمیم

بقیه از صفحه ۱۳  
چهره ...  
بیکر خونین ترکمن صحرارا می‌درد. و با ربا عرسوده‌ای در گوش هسها تا کمه می‌خواند که: ایران، سر، برن، سکی و... قدرت تو با دیرودام"  
تنگ برشما با دا!  
تنگ بره‌رور سوسوسی سادا!

آری صفات مردم جولانکا هوسده‌های منظم و سوا شعرا و هسهای است که بصورت مرفه سوا لات ارتجاعی - اش نشرمی‌باشد. در این اسعار، ساعران همه سرورزی خود را در خدمت انسا ربا ده‌های خائنا به حزب توده در قالب "شعر" قرار می‌دهند.

گاه ما در این صفات با سرور کله‌ها برای سوا حسد شده‌ای موجه می‌شوم که در سبب روح خود را به رور سوا - سیمیم و روحه‌ها آنا تا به همان میزان که در سیمیم این سالها نشان داده‌اند در کار رهبری ستمانه، ستم همان میزان امروزان سده‌ها که در کار رهبری توده‌ها - ها آرموده‌اند، آنا ان جنبه‌ها ستمدان و رگسده‌های زما می‌توانند که بنادنا ل جزبان با دمیدن سیمیمور جمهوری اسلامی سرعت ارتبا سترهای دسج و اسس با نوقها در محضرات غظا ما صرد و سوا دسسی را نکرا رگردها دودر سیمین معقدس موم، اسعار سوا را که سرتا راست از موفولاب، کلما، ستمیل ها و مفا همس تا ره کسفته! مثل ادا، سطلان، آنا، ادا دسب، وغیره در خدمت فرسکاری می‌سهدوسان سده‌ها که در این راه از اهدان سالون کا رسدا انقلاب دست کس ندارند. مثلا در سماره ۱۰۱ "مردم" سغری از سوا سوا - کسراشی سیمیم "تنگ خانه سلطان" به خاب رسده‌است: / طلع سلطان کسوده / با روی نوالعینی هسهای ریک ریک / مرفوزیخت ... / سسوندانک سسوند / که از ما بنا م / کسفا هر روز با یک ادا ان و سرودنا دما نه خلق هزار / آهنگ از سکا خانه سلطان بر می‌آید.

و بدینگونه سیمیم "سوسعه روحه مذهبی" به انصمام "خدیوگراری در آسومان سورژوازی" می‌کوسند به "طلع سلاح پرولتا ربا به نفع سورژوازی" - لیسری - سیمیم دارند و توده‌ها را بدینال نیروهای بیگانه ستمانه انقلاب خیانت کرده و در صف صدا انقلاب و در درون هیئت حاکمه ارتجاعی به سرور سیمیم سرورده‌های بیخ بناد شده‌اند.

ادامه دارد

آکا‌ها به در سیمه تولید و حدمات و منطبق بر نیاز - های توده‌ها و با سنج همکاسی، مغلطات جا معه را حسل نماید. حل مشکلات ترافیک نیز از جمله برنا مه‌های است که در نظام سوسالیستی ضروری خاس پیدا میکند لذا در این نظام، سوا زات رند صنعتی جا معه سوسالیستی و با از سیمین رفتن تدریخی ما لکتیست خصوصی سوسالیست نقلیه، با فراهم آوردن تعداد مورد نیاز سوا لیل نقلیه عمومی، یلپهای هوشی متنسدد انجا دسرتور سوا منطبق ونا سیمین بنا زنده‌های زندگی هر عضو جا معه در اسرع وقت و با لآخره مهمتر از همه، با برقراری توازن و هماهنگی نسبی صنعتی و اجتماعی بین شهر و روستا، آنا سوا مسئله‌های بنسمام ترافیک نمی‌توانند خود را حل کنند.

ربا دا زاین راه امرا معاش می‌نماند و بسیاری از آنا رخمکنان ستمانه‌ها آخاره‌ها کسای از ما لکتیست آن کارمکنند و اس طرح مخصوص سرور مد آسومان تا سیمیم گذارد. سنا برای ملاحظه می‌کنیم که چگونه هرگونه رفیرمی در درون اس نظام فقط به قطع وابستگی در سیمه سوا لیل حمل و نقل منتهی نمی‌شود بلکه مشکلات دیگری بر سیمین از رخمکنان و قسرت متوسط جا معه ایجاد می‌نماید.

حال سیمیم که مسئله ترافیک در نظام سوسالیستی چگونه حل می‌شود؟ بدسرتی می‌توان گفت که تنها نظامی که در آن معطل ترافیک وجود ندارد، نظام سوسالیستی است. چرا که این نظام بر آن مکاسیم اقتصاد می‌باشد - اجتماعی استوار است که می‌تواند با برنا م سرورزی

بقیه از صفحه ۱  
درباره ...  
به رفرم‌های در این زمینه سیمیم که مسئله را از حجاب دیگری خراب میکند. بطور مثال همین طرح: خبر را در نظریه سیمیم در آن تا کسفا از اسفا ده زخوط و سزه محروم کشته‌اند. سهراد رهبران در این مورد می‌گویند ما برای کسرتن سیمیم سوسالیستی و سرعت کسار اتوسوسها قطع وابستگی این کار را کرده‌اسم. ما می‌گوئیم! ولا سندا اتوسوس سیمیم لازم نیست و در نتیجه سیمیم از این طرح نا راضی‌اند، تا سنا مگر اتوسوس از خارج وارد نمی‌شود و سنا بر این سخن از قطع وابستگی بی‌معنی است. نا لانا این کار سیمیم سیمیم تا کسرا نه لطمه می‌زند. تا کسرا نه‌های که سنا سلاش

## مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست